



جشن شاهنشاهی ایران

این روزنامه یکبار در تاریخ ملی ۱۰۰ شماره و در تیر ماه برای تیر روز جمعی جزایر سه را سر کشور و همراه با آصف انتشار مییابد

شماره هفتاد و چهارم - سهشنبه بیست و هفتم مهر ماه ۱۳۰۰

ملت عصر رنسانس شاهنشاهی ایمان و اعتقاد خود را باین شاهنشاهی با ثبات رساند



● شاهشاه آریامهر عمر درویش خیرنگران داخلی و خارجی را بصورت پذیرفتند، و بسوالات آنان پاسخ دادند، مشروح این مصاحبه در ریز تاز بزرگ و دنیا سوار ما که در صفحات «آلوم مراسم جشن» خواهد آمد چاپ می شود.

گزارش نهم از جشن شاهنشاهی
دورصفحه دوم

در تخت جمشید سران شرق و غرب
همسایه یکدیگر بودند
دورصفحه هفتم چاپ شده است

را، ترک گفته، در حالیکه، خاطره جشن شاهنشاهی را، برای همیشه، باخود خواهند داشت.

اما، جشن شاهنشاهی، به دنیا نیز چنان امیدها بخشید، و چنان روشنائیها افکند، که، آینده، از آن، بعنوان یک سرفصل، یاد خواهد کرد. سرفصل رفع بحرانهای بزرگ، سرفصل پیوستگی دوستیها و تقاضای های تازه، سرفصل تلاش برای کاستن از بی اعتمادی و سوختن جاری پروا و بی اعتمادی، سرفصل همکاریها، و هم آواییهای نو، در بین ملتها.

امروز، هنوز زود است، درباره آنچه جشن شاهنشاهی ایران، به دنیا داد، سخن زود. این جشن، یک واقعه بنیادی بود. و بحثها و نظرها، که ابراز میشوند همه، حاصل داوربهاست که، در سطح، انجام گرفته است. بقیه در صفحه ۲

قبله امید صلح دوستان

و ملل اضطراب زده

آفتاب بائیزی پاك و مهربان تهران، امروزه شادمانه، به اقامتگاه مهمانان عالیقدر شاهشاه آریامهر، تسابید تهران، خاطره این روزها را، در شیشه خودآودانی میسازد. روزهای سرفراز از شکوه دوستی و برادری و تقاضای روزگاری که ایران، نقطه توجه و احترام سراسر جهان شده است. روزگاری که برکت جشن شاهنشاهی، ایران را، قبله امید صلح دوستان و ملل اضطراب زده حوادث ساخته است. آخرین گروه مهمانان عالیقدر شاهشاه آریامهر، تهران

۲۷ مهر ۱۳۵۰
19 OCT. 1971
۲۸ شعبان ۱۳۹۱

ملت ایران جشن شاهنشاهی را در
سر اسر کشور نور باران کرده است

برای وصول بمرز آسودگی

«... باید یک برنامه وسیع خانماری، هر چه زودتر بیوقف اجرا درآید و اگر خانه‌هایی ساخته شده‌اند، آن‌ها را توسعه داد تا همه مردم بدون مشکل بتوانند از داشتن خانه‌های آسودگی برخوردار شوند.»

«... خطاب به نمایندگان طبقات مختلف مردم در خرمشهر آستانه ۴۵»

در سایه آرامش و آسودگی خیال است که انسان می‌تواند کارهای خوشین‌ترا، به گونه‌های اصولی و از راه اساسی، به سامان درو و وظائف خود را بنا بر سرانجام و هیوا، گام بردارد، حاصل کار او، درخشان باشد. و آرامش فکر و آسودگی خیال، زاینده عواملی خاص است که نه تنها زندگی فرد، بلکه زندگی خانواده‌ها را در بر می‌گیرد. زیرا از پذیرفتن پیوستگی‌های انسانی، گریزی نیست و انسان، و انسان‌ها، در خانواده، که کوچکترین واحد اجتماعی است، به دان‌های زنجیری می‌مانند که از پیوستن بهم، زنجیر، جلوه‌هایش دارد و اگر دان‌ها را از هم گسلیش، دیگر آنچه می‌ماند، غنوم زنجیرها در ذهن انسان مجسم نمی‌ماند.

انسانی که در محدوده‌ی محیط کار، موظف به انجام کارهای خاص، و وظیفه‌های ویژه‌است، مانند هنرمند انسان‌های دیگر، دارای عواطف و شعور طبیعی است. و در وجود او نیز، همان آندیشه‌ها و اندیشه‌ها راه دارد که در وجود هر انسان دیگر، و بیشتر از آن‌ها، و خانواده‌ها و افراد بود که تکرارهایی است که در ذهن او، از کیفیت افراد خانواده سرچشمه می‌گیرد. و برای آنکه او، بتواند کارها را سامان، و بیضبار، بیاورد و حاصل کار او، آنگونه درخشان باشد که بافتن زندگی و شرایط خاص ندای امروز هماغه‌گردد مسی‌یاستی غبار همه‌ی دیدها و اضطرابها و اندوه‌ها را از ذهن او، و از وجود او، بردارد. و هماغانه‌گردد رفت، در این مرحله، و فراغ با اولی و اولی، خاطر، از سوی خانواده، بزرگترین گام و اولین وظیفه است. تا همین سکن‌های او، و افراد خانواده، و نیز تا همین وسایل زندگی، یکی از عواملی است که می‌تواند در این مورد، نقش اساسی را ایفا کند. و ثواب خرمند ایران، با در نظر گرفتن این موضوع اساسی است که بارها دستور مکتوبی به منظور تأمین مسکن بسیاری خانواده‌ها صادر فرمودند. و آنچه‌که ما در آغاز این دستور، و بعنوان یادآور چندند درج کرده‌ایم، باره‌ای از بیانات شاهنشاه آریش است. خطاب به نمایندگان طبقات مختلف مردم در خرمشهر، اجرای برنامه‌های وسیع خانماری، و اختصاص دادن خانه‌های آسودگی به هر خانواده، به مفهوم رسیدن به مرز است که در آن، همه‌ی افراد، کوشش، ضمیمه‌ی برخورداری از کسلیه موهب آسایش، با آسودگی خاطر بیشتر می‌تواند در راه بشر رساندن ایندهای درخشان رهبر خرمند ایران گام بردارد و سرنگاه، با سرعت و اضطراب بیشتری ادامه‌یابد، در سرتی که لازمه عصر سازندگی در ایران زمین است.

به سازمان ملل متحد و

مشور آن احترام می‌گذاریم

«... از لحاظ سیاست خارجی کوشش برای ایجاد تقاضم میان کشور های نزدیک و دور، تلاش برای صلح‌جویی و دوستی و همزیستی و همکاری بین ملل و دول مختلف با رژیم

سیاست مابعد دوران تمدن بزرگ

۱۵- سیاست خارجی

بین‌المللی شرط لازم حیاتی برای پیشرفت هرجامعی در هر نقطه از جهان امروز است. در این زمینه مانده فقط معتقد به لزوم همزیستی بلکه حتی همکاری مسالمت‌آمیز بین همه ملل دنیا با رژیم‌های مختلف هستیم و موقت‌ها فراتر می‌رویم از این سیاست در تأمین مصالح ملی خود، بدست آوردیم. بخوبی ثابت می‌کند که راه صحیح و واقع‌بینانه‌ی را برگزیده‌ایم.

انظرف بین‌المللی، ما همچنان باید بنده اصول و مقررات مشور ملل متحد هستیم.

... ما طرفدار عدم گسترش سلاح‌های اتمی و غیر اتمی شدن بعضی مناطق جهان و ملاً طرفدار خلع سلاح بین‌المللی کامل و کثیرالشمای هستیم. در عین حال تا روزی که چنین خلع سلاح تضمین شده‌ای در جهان عملی نشده باشد ما شواهدی که هر روز می‌بینیم و تجاربی که بی‌سسته بدست می‌آوریم بنا بر تمام دوست‌ها و بی‌پناهایی که داریم چاره‌ای جز آن نداریم که بیش از پیش و تا سرحد امکان مسائل حفظ حدود و ثغور و امنیت ملیک خودمان را تأمین کنیم، زیرا چنانکه بارها تذکر داده‌ایم باید قبل از هر چیزی بخودمان متکی باشیم.

... بازم اعلام می‌کنیم که امروز دیگر افعال خاک هیچ کشوری توسط کشور دیگر بوسیله قوه‌های قابل قبول نیست، و باید این حقیقت بخوبی درک شود که دوران زورگویی و استبدادی نظامی برای همیشه سیری شده‌است و طبعاً فوج‌های نظامی نیز باید باعث سرمتی و ناپیانی نگردد.

هنگام گشایش بیست و دومین دوره قانونگزاری مجلس شورای ملی و پنجمین دوره قانونگزاری مجلس سنا - ۱۴ مهرماه ۱۳۶۶

هایی گوناگون و طرفداری از خلع سلاح کامل و تضمین شده و جلوگیری از پیش سلاح‌های هسته‌ای در جهان همه و همه از نشانه‌های بارز احترام ما ملت ما سازمان ملل متحد و منشور آن است. اما چیزی می‌رسد که تمام کشورها با وجود امکانات طبیعی که در اختیار دارند نخواستند و نتوانستند آنطور که باید و شاید از لحاظ مادی و معنوی در تحکیم مبانی این سازمان و جهانی ساختن اصول آن بکوشند...

بنسبیت بیست و یکمین سال تأسیس سازمان ملل متحد ۲ آبان ۱۳۴۵

ناید به‌طور کامل به

پیمانها متکی باشیم

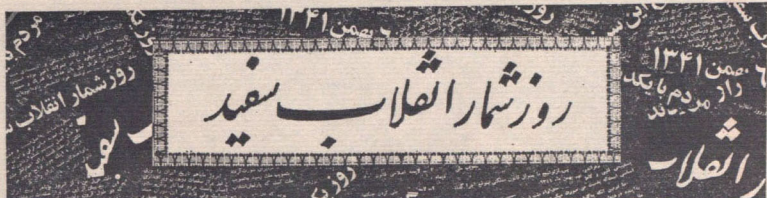
«... درباره سیاست خارجی ایران، ما این سیاست را بر اساس سیاست مستقل ملی استوار ساخته‌ایم مابودستی‌ها و پیمان‌ها بسیار احترام می‌گذاریم و از آنها حسن استنباط می‌کنیم، ولی حوادث روزگار ما ثابت کرده‌است که نباید بطور کامل بدین امر متکی باشیم، زیرا بعضی اوقات از این پیمانها کاری ساخته نیست...»

مخاطبه با سردیر روزنامه «دیلی آمریکن» چاپروم ۲۸ فروردین ۱۳۴۶

فوج‌های برق‌آسای نظامی ناید

باعث سرمتی و ناپیانی گردد

«... در مورد سیاست خارجی، ما کاملاً وضع و برنامه‌روشن و کاملاً متخص‌اند، یعنی از یک سیاست مستقل ملی براساس همکاری و تقاضم بین‌المللی و حفظ کامل حقوق و منافع ملی خودمان با رعایت احترام حقوق و منافع ملی دیگران پیروی می‌کنیم، و اعتقاد راسخ داریم که این تقاضم و همکاری



۸- خرداد

● بهره برداری از خط‌کشی‌های اروپا به خلیج فارس با همکاری کشتی‌های ملی و شرکت ایرانی، آغاز گردید.
● برای اجرای ۱۱ طرح کاروری و خرید کوشیانی و ابزار اصلاح شده، امین‌اللات - حضرتجاه و امور دامپوری تأمین‌انبارشد.

۹- خرداد

● اولین کلنگی دهکده حقوق بشر برای زائران دهگان خراسان زمین زده شد.

۱۰- خرداد

● بیمارستان وزایشگاه‌یکان در دوره‌های قلمک شروع‌بکارگرد.

۱۳- خرداد

● ساختمان جدیدالاحداث قرظینه بندر پارکسری خارک افتتاح گردید. ساختن این قرظینه توسط وزارت بهداری پرداخته‌است.

۱۴- خرداد

● شاهنشاه آریامهر درمجا به پارسدیر و اشکن‌نیت فرمودند: «ایران آماده است با همه ممالک خلیج فارس قرارداد دفاعی بندهد. این خواستار اجرای قطعنامه ۲۴ نوامبر ۱۷ سازمان ملل است. انضمام سرزمین‌های عرب وسیله اسرائیل صحنه‌نهادگذاشت. ما باید نیروی خود را چنان تقویت کنیم که پس از رفتن انگلیس‌ها از خلیج فارس منطقه امن نگذاریم - ایران می‌تواند چنین کاری بکند چون حیوظ و تشنه‌اش و استعماری ندارد - هدف ایران این است که در منطقه تنوری ازبقت و خرمندی و مقاصد نوب‌پرستانه عرضه دارد می‌تواند تصویر از آفاقا با یورون بنظای خودوردهد. ایران سالی ۵۰ میلیارد ریال صرف تحکیم قرظینه دفاعی خویش و خرید سلاح‌های نوین از امرتترین نامتک‌ها تا بپایان‌های مافوق صوت قاتوم. اما این هزینه دفاعی مانع رشد اقتصادی حیرت‌آور ایران که در حدود سالی ۲۲ درصد است نخواهد شد.»

● بیمارستان چهارمختصی، بهیجان گوده‌شد.
● دره‌ها و مرکز جدیدالانسیس دره‌های سینا شروع‌بکارگرد.
● اولین خدمت قضاوت زن سپاه‌گردید و قاضی‌شد. تعداد قاضیایان زن ه نفرات.

۱۶- خرداد

● شاهنشاه آریامهر درمجا به یک روزنامه‌نگار خارجی فرمودند: «در نظر نداریم هیچکس را بطریق فارس دعوت‌کنیم که انگلیس‌ها و روس‌ها و نه امریکایی‌ها»
● و نه امریکایی‌ها»

● فرارده بازرگانی ایران بویژگی برای امری روزنامه‌سرای‌گذاری صنایع‌یون دلاری به‌اضافه رسید. بوجه این قرارداد درآمده بویژگی

شماره هفتاد و سوم

روزنامه‌جشن شاهنشاهی

● در زامس اردوی تربیتی ۵۰۰ نفری بران نمونه مدارس افتتاح‌شد.
● اعتبار کوی نوبیاد خلیج فارس برای سکونت گریزنیان پندرعاس از طرف سازمان برنامه تأمین شد.

● مرکز محاسبات الکترونیکی سازمان آبپوری خوزستان گشایش یافت. مرکز محاسبات الکترونیکی منظور سرعت در محاسبات امور مالی سازمان آبپوری خوزستان دره‌ها و تأسیس شده‌است.

● دستگاه تله‌تایپ درمرزبازگان شروع‌بکارگرد.
● دفاتر جدید پستی در ۱۲ نقطه آذربایجان غربی دایرگردید.

● اولین کلنگ‌آموزشگاه شایفروزی پسرانه بنام آموزشگاه خلیج فارس دیندرعیاس زمین‌زده‌شد.

● مذاکرات اقتصادی ایران وهندآغازشد.
● تأسیسات آب‌لودرکنی آب سالم خرم‌آباد شهوار در مازندران به بهره‌برداری رسید.

● موتور برق و تأسیسات لوله‌کنی جزیره کیش درجنوب ایران آغاز بکارگرد.

● شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو نیاگشا، شصت سال صنعت نفت ایران را افتتاح فرمودند.

● بهره‌برداری از اولین کارخانه نسیلیون درایران آغازشد. این کارخانه درزمینی به‌ساحت ۴۴ هکتار که ۹۲۰۰ مترمربع آن زیربنیاست اول قرارداد.

● دوره آموزش مدیریت بیمارستان برای مدیران ارشد بیمارستانها در کاشان به‌پایان رسید.

● محل انجمن نوبی‌توانی شرکت تعاونی و فروش متنوعات معلولین تأسیس شد.

● در زامس اردوی تربیتی ۵۰۰ نفری بران نمونه مدارس افتتاح‌شد.
● اعتبار کوی نوبیاد خلیج فارس برای سکونت گریزنیان پندرعاس از طرف سازمان برنامه تأمین شد.

● مرکز محاسبات الکترونیکی سازمان آبپوری خوزستان گشایش یافت. مرکز محاسبات الکترونیکی منظور سرعت در محاسبات امور مالی سازمان آبپوری خوزستان دره‌ها و تأسیس شده‌است.

● دستگاه تله‌تایپ درمرزبازگان شروع‌بکارگرد.
● دفاتر جدید پستی در ۱۲ نقطه آذربایجان غربی دایرگردید.

● اولین کلنگ‌آموزشگاه شایفروزی پسرانه بنام آموزشگاه خلیج فارس دیندرعیاس زمین‌زده‌شد.

● مذاکرات اقتصادی ایران وهندآغازشد.
● تأسیسات آب‌لودرکنی آب سالم خرم‌آباد شهوار در مازندران به بهره‌برداری رسید.

● موتور برق و تأسیسات لوله‌کنی جزیره کیش درجنوب ایران آغاز بکارگرد.

● شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو نیاگشا، شصت سال صنعت نفت ایران را افتتاح فرمودند.

● بهره‌برداری از اولین کارخانه نسیلیون درایران آغازشد. این کارخانه درزمینی به‌ساحت ۴۴ هکتار که ۹۲۰۰ مترمربع آن زیربنیاست اول قرارداد.

● دوره آموزش مدیریت بیمارستان برای مدیران ارشد بیمارستانها در کاشان به‌پایان رسید.

● محل انجمن نوبی‌توانی شرکت تعاونی و فروش متنوعات معلولین تأسیس شد.

● در زامس اردوی تربیتی ۵۰۰ نفری بران نمونه مدارس افتتاح‌شد.
● اعتبار کوی نوبیاد خلیج فارس برای سکونت گریزنیان پندرعاس از طرف سازمان برنامه تأمین شد.

● مرکز محاسبات الکترونیکی سازمان آبپوری خوزستان گشایش یافت. مرکز محاسبات الکترونیکی منظور سرعت در محاسبات امور مالی سازمان آبپوری خوزستان دره‌ها و تأسیس شده‌است.

● دستگاه تله‌تایپ درمرزبازگان شروع‌بکارگرد.
● دفاتر جدید پستی در ۱۲ نقطه آذربایجان غربی دایرگردید.

● اولین کلنگ‌آموزشگاه شایفروزی پسرانه بنام آموزشگاه خلیج فارس دیندرعیاس زمین‌زده‌شد.

● مذاکرات اقتصادی ایران وهندآغازشد.
● تأسیسات آب‌لودرکنی آب سالم خرم‌آباد شهوار در مازندران به بهره‌برداری رسید.

● موتور برق و تأسیسات لوله‌کنی جزیره کیش درجنوب ایران آغاز بکارگرد.

● شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو نیاگشا، شصت سال صنعت نفت ایران را افتتاح فرمودند.

● بهره‌برداری از اولین کارخانه نسیلیون درایران آغازشد. این کارخانه درزمینی به‌ساحت ۴۴ هکتار که ۹۲۰۰ مترمربع آن زیربنیاست اول قرارداد.

● دوره آموزش مدیریت بیمارستان برای مدیران ارشد بیمارستانها در کاشان به‌پایان رسید.

● محل انجمن نوبی‌توانی شرکت تعاونی و فروش متنوعات معلولین تأسیس شد.

● در زامس اردوی تربیتی ۵۰۰ نفری بران نمونه مدارس افتتاح‌شد.
● اعتبار کوی نوبیاد خلیج فارس برای سکونت گریزنیان پندرعاس از طرف سازمان برنامه تأمین شد.

● مرکز محاسبات الکترونیکی سازمان آبپوری خوزستان گشایش یافت. مرکز محاسبات الکترونیکی منظور سرعت در محاسبات امور مالی سازمان آبپوری خوزستان دره‌ها و تأسیس شده‌است.

● دستگاه تله‌تایپ درمرزبازگان شروع‌بکارگرد.
● دفاتر جدید پستی در ۱۲ نقطه آذربایجان غربی دایرگردید.

● اولین کلنگ‌آموزشگاه شایفروزی پسرانه بنام آموزشگاه خلیج فارس دیندرعیاس زمین‌زده‌شد.

● مذاکرات اقتصادی ایران وهندآغازشد.
● تأسیسات آب‌لودرکنی آب سالم خرم‌آباد شهوار در مازندران به بهره‌برداری رسید.

● موتور برق و تأسیسات لوله‌کنی جزیره کیش درجنوب ایران آغاز بکارگرد.

● شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو نیاگشا، شصت سال صنعت نفت ایران را افتتاح فرمودند.

● بهره‌برداری از اولین کارخانه نسیلیون درایران آغازشد. این کارخانه درزمینی به‌ساحت ۴۴ هکتار که ۹۲۰۰ مترمربع آن زیربنیاست اول قرارداد.

● دوره آموزش مدیریت بیمارستان برای مدیران ارشد بیمارستانها در کاشان به‌پایان رسید.

● محل انجمن نوبی‌توانی شرکت تعاونی و فروش متنوعات معلولین تأسیس شد.

● در زامس اردوی تربیتی ۵۰۰ نفری بران نمونه مدارس افتتاح‌شد.
● اعتبار کوی نوبیاد خلیج فارس برای سکونت گریزنیان پندرعاس از طرف سازمان برنامه تأمین شد.

● مرکز محاسبات الکترونیکی سازمان آبپوری خوزستان گشایش یافت. مرکز محاسبات الکترونیکی منظور سرعت در محاسبات امور مالی سازمان آبپوری خوزستان دره‌ها و تأسیس شده‌است.

جندیشاپور بزرگترین مرکز

طبی آن روز بود

تحقیق از: غلامحسین صدیقی اشرف

را در این آموزشگاه کاملاً ایرانی و دور از نفوذ یونان نوشته است. سارتن غیر از اطباء یونانی پزشکان ایرانی و سربانی وهندی را هم در آن مؤثر شمرده و به گفته کلمات هسوارت در جندیشاپور علوم یونانی در زیر سرپرستی مسیحیان سربانی زبان آریایی تدریس می شده. گفته‌های دیگران نیز تقریباً در همین حدود ویریهی اساسی است.

اگر بخواهیم این نظریه‌ها را بدون چون و چرا پذیریم، باید بگوییم که کاملاً ساسانی و دو گونه علم طب وجود داشته که کاملاً جدا و مستقل از یکدیگر بوده و هر یک راه دیگری می‌پیموده‌اند، یکی طب یونانی که در آموزشگاه جندیشاپور و در زیر سرپرستی مسیحیان یونانی و سربانی بوده و دیگری طب ایرانی که از روی کتابهای زردشتی در زیر نظر پزشکان ایرانی تدریس می‌شده و ولی گفته از اینکه لالال و امارات تاریخی این امر را تأیید نمی‌کند، وجود چنین وضعی نیز بعید بنظر می‌رسد.

بنظر می‌رسد، که این توم، از وسعت خاص جندیشاپور حاصل شده است، ز سربانی بشری که ذکر شد، تدریس این آموزشگاه، هم آثار طبی مختلف سربانی می‌باشد وهم پزشکانی که ملتهای مختلف در آنجا احداث داشته‌اند. گذشته از این، شهر جندیشاپور بواسطه سکونت عده زیادی از مسیحیان، بیشتر مظهر یک شهر مسیحی داشته و از آنجا اغلب از نویسندگان اروپایی تالیف تمدن یونان را رچشمه فرهنگ قدیم می‌دانند ازینرو در این موضوع هم از وجود یونانیان و مسیحیان چنین نتیجه گرفته‌اند که مدرسه جندیشاپور هم یکی از مدارس سختی و نماندنی فرهنگ یونانی بوده که در ایران تأسیس شده‌است.

و حفظ صلح و آرامش بین المللی استوار باشد پیوسته از حاصل آن برخوردار خواهد شد. هنگامی که در پایان بندی روابط بین المللی سخن می‌روند، نظریات بنیان گذار آزادیست. و چنانکه آشکار شد این حاصل می‌شود، حتی بر اثر ازنگ و متمارض دارد. و آینده گواهی خواهد داد، که سخن شاهنشاهی چه تحولی در شیوهای دیپلماتیک چاره جوئی بین المللی، پدید آورده است.

پسختن شاهنشاهی، و بشاهنشاه آریامهر، که در میزبان آن بودند، ندای امروز و، آینده، درود می‌فرستد.

به هندوستان فرستاد تا کتابهای هندی را هم به ایران آوردند و آن‌ها را هم در دسترس دانشندان جندیشاپور قرار دادند.

جندیشاپور در دوره ساسانی شهرت جهانی داشت و اوطلبان پزشکی برای استفاده از دانشندان آن از هر سو بدانجا روی می‌نهادند. در تاریخ طب بسیاری از استادان این علم را می‌توانیم که در جندیشاپور کسب دانش کرده‌اند. غیر از ایرانیان زردشتی و مسیحیان سربانی، در تاریخ نام یکدیگر از اعراب هم ذکر شده که در عصر جاهلیت به جندیشاپور آمده و آنجا پزشکی آموخته‌اند. بکسی از آن‌ها حارث بن یزید کلبی ثقفی و دیگری نصر بن الحارث است که چنانچه نوشته‌اند نوری نیز مدتی در جندیشاپور بوده است. جندیشاپور در هنگام حمله اعراب و در دوره قزقمه اهمیت خود را از دست داد و در آن ایروز نیز خدمت بزرگی به فرهنگ جهان نمود، زیرا در این محل بود که بسیاری از آثار فرهنگی ایران و از آثار علمی جهان آنروز در دوره‌های آشوب و افشاش محفوظ ماند و در عصر استقرار و آرامش بدست مسلمین رسید.

بعضی از خاورشناسان که راجع جندیشاپور مطالبی نوشته‌اند اساسی تعلیمات آن را طبی یونانی دانسته و بعضی دیگر زبان تمدن سربانی می‌سرایان. استاد براون که راجع به طب جنین نظریه‌های اظهار کرده دروسازی و گیاه شنسی

کلمه از نهامی نوظهور و تازه است و ظاهراً استعمال آن برای دوره‌ای از نوع مؤسست امروزی اثری در آن نبوده می‌تواند بنظر می‌رسد، ولی اگر حقیقت ومفهوم کلمه را در نظر بگیریم بهترین عنوانی است که می‌تواند تا اندازه‌ای خصوصیات این آموزشگاه را مجسم سازد. جندیشاپور در دوره خوش دارایی‌های مزایا و خصوصیتی بوده که امروز دانشگاه‌های ما می‌باشد. همان گونه که هردانشگاهی بایدننده فرهنگ عمومی جهان است، جندیشاپور نیز این مرتب را داشت که لالال در علم طب بزرگترین مرکز جهان آنروز بود.

این آموزشگاه هر چند در ایران و در زیر سرپرستی شاهان ایران قرار داشت و از هر جهت یک مؤسسه ایرانی بشمار می‌رفت لیکن اختصاصاً به تمامی پزشکان عصر داشت که در آنجا وجود داشتند و در نتیجه آثار علمی گرانگهائی نیز از نتیجه زحمات و ثمره افکار دانشندان جهان در آنجا یافت می‌شد ومورد استفاده قرار می‌گرفت در دوره ساسانی، تا آنجا که منگو بود، وسائلی کار پزشکان و پیشرفت این آموزشگاه وسایران فراهم شده‌بود. در آنجا کتابهایی که در علم طب به یونانی تألیف شده‌بود، و آنچه مسیحیان سربانی بدان آفروده بودند، بضمیمه آثار طبی ایرانی تدریس می‌شد و برای اینکه نواقص آن از هر جهت رفع شده‌باشد خسرو انوشیروان به شرحی که گذشت کوروزی را

عه رسگاریها. و روزی که در آئینه خورشید تصور گستن زنجیرهای سیاه را نهفته است. روزی که در کنگ فرشته و تجلی می‌یابد. و آواز رسگاری همه انسانها، درستان او، آه‌های مهربانی است. و سر استگنان، ستاره‌های پرکت و نور، و همه رسگاریها و انسانها، در وجود او، جلوه‌گر است. و خانه، با وجود او بدل به بهشت می‌شود. و آسمی، اکون که روزها نور، و همه رنگهای دیگر برادران خود، و خواهران خود، در زیر چتر حمایت رهبر بزرگ خود، و به تلاش و به کوشش برای گستن زنجیرها برخاسته، و به برکت نیروی خواست خود، از هر لحظه جسمهای از پیروزیها ساخته است. و درگاه خانه استگانه، که فرشته بیخود، که مظهر تمام آرزوهای اوست، به از استگنان فرود آید. و اکون لطفی بیخود فریاد میدهد. و سر و سوش دشمنان و جسمهای بزرگویی، در گوش او، می‌پسندد و او در می‌یابد که نابی، فرمان الهی است و نیابت خورشید خود را به چلهی پرزوار نهاده است. و روز رسگاری، روزی که همه پیروزیها را در سینه خود جای داد و حاصل همهی تلاش، همهی کوششها و همهی یگانگیها را در دستهای خود نهفته است. و اکون، برخاسته است. و مردم، دیدگان اشتیاق خود را، بر روی دیوخته است که چون ماههای آسمانی گرداگرد بیکر اثری فرشته محمود را پویانده است. فرشته پیروزی، و فرشته‌ای که تجسمی از همه آرزوهای کامیابانه است، اکون، درخانه است. و فرمای که بدست نیابت خورشید شهبان ایران زمین، در مورده ملی شدن صنعت نفت ایران نگاشته شد، خود، تجسمی از همه آرزوهای، و در عین حال پیروزی بزرگ ایران، که مردان و زنان دلاور و مبارزان زمین بود، که در سایه رهبری شهبان خورشید، و اکون همیر شدواور، که ناهموار را در درون دریندند و کام به کام پیروزی را در بر داشتند. و این فرمان، فرمان پیروزی خورشید راستی و حق، و بر اهرام سیاهی بود. و مردم، بار دیگر آئینهای در برابر دیدگان مردم جهان داشت تا در آن پیوند جادویی شاه و مهربان خود را، به تمامی دریانده و تلاش خورشید پیروزی مردم ایران زمین را در آن ببینند. خورشیدی که مظهر پیروزی و طلیعه روزگاران روشنی بود. خورشیدی که مظهر آن، دستهای بهم پیوسته مردان و زنان، و پیوند ناگسستی شاه و مردم بود. فرمان شهبان ایران زمین جلوه‌ای شکوهند از کامیابیهای آسانی، در عصر پهلوی است.

اینگونه بود، که روزهای پرشکوه و مملکت جن شاهنشاهی، در تحت جمشید، بنیادی گذاشت. و بحکامه اکنون هست، حاصل استنباط و ارتباط با، گفتگوهای آزاده و کوششهای غیر رسمی است، که سران و رهبران، در کار کاستن از بحر آنها، و در کار پیروزی تفاهم و دوستی، داشتند. میتوان گفت اینهمه تفسیر و داوری و نظر پرامید، سخنی است که از میوه و برنورانه جشن شاهنشاهی می‌رود. در حالیکه، این یونانی، با درختی که شاهنشاه آریامهر غرس فرمودند، خود، بختی جدا دارد. و در میقات تازه در تاریخ دیپلماتی است. و آینده‌ای که بر تفاهم وهمکاری،

۱۰۰ اصل انقلاب و آزادی

فرمانی دیگر ...

و با تأییدات خداوند متعال
ما، پهلوی شاهنشاه ایران، نظر به اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر می‌داریم:
ماده اول - طرح قانونی دایر به اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور که در روز نه اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ به تصویب مجلسین است و شورای ملی رسیده و منضم به این مصدقات، به موقع اجرا کوشد.
ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستد.
به تاریخ هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰
« متن فرمان شاهنشاه آریامهر، دایره به ملی شدن صنعت نفت ایران »

دیگر گاهی، جان، آکنده از اشتیاق است. و اشتیاق، همچون تسبیحی که در مسیر خود، سراکنگشان نرم خویش را بر پیگرده درخشان میکند و این از رهگذر هرفاشه و هرفاشه و هر یک را به لرزشی اشتیاق آمیز می‌خواند، درجان آسمی، و در تار و پود جان آسمی، لرزشی زندگی بخش می‌یراند. و جان، آئینی خواستگاری است. و در درگاه خانه، به انتظار، ایستاده و چشم بر افق دوردست دارد. باشد که آن فرشته رحمت، دعوت تلاش او را پاسخ گوید و بر فراز خانهی او، بال بگشرد. و او، اکون در رهگذر انتظار خود، در پیشرو، تصویر روزگاری را که خواهد رسید، ترسیم کرده است.
روزی همه نور و همه راستی، روزی که بنزهای تلاش او را در سینه خود نهفته است. و سرچشمه پاکها، که از چشم‌های زلال کاشکنا، میراب ساخته و توان باروری را در آنها، انکار ساخته است. و چون، از گرد راه راز فرسود و لطفهای او خانی او بیساید، بیساید، فرشته محمود، و ریال او، فرا خواهد رسید. روزی آبتن

در آموزشگاه جندیشاپور مباحث و مجادلات دینی و کلامی راه نداشت و این موعده، چنانکه از آثار آن بر میآید، خود را از اینگونه مباحثات برکنار گرفته و تنها راه علمی خود را پیمود، در این آموزشگاه هم از مسیحیان یونانی و سربانی هوسند وهم از زردشتیان ایرانی و دانشندان هندی و یونان دیگر ادیان، لیکن نه از تأثیر کلیسا در دنیا خبری بود و نه از نفوذ مؤبدان شاهان در آن وقت و نه از هیچک از اندیشه‌های کوچکترین اثری مشاهده می‌گردد، و به همین جهت پیشرفت علم طب در این آموزشگاه بر مراتب بهتر و بیشتر از مدارس مسیحی روم و آسیای غربی بوده‌است. این نکته قابل تفت است که در عصر طوفان تمسبات دینی، در بزرگترین مانع ششالی و تفاهم ملتهای بوده، بلکه آنان را مانند دشمنانی خوبخواه بجهان یکدیگر چنین انداخته و در آتش تمسبات سوخت، و در نتیجه عصری که چنین موانعی بزرگ در راه پیوند فرهنگی با (تبادل ثقافتی) ملتهای جهان وجود داشته، آموزشگاه جندیشاپور درهای خود را بروی دانشندان و طالبان علم و هنر و مذهب که می‌پسندد بازگشوده و همرا می‌آنگه دادانی تمسب دامنگیران خود بسوی یک هدف واقعی سوق داده است. وقتی این نکته را با آنچه راجع به بازگشایی دوره انوشیروان مقایسه نمائیم خواهیم دید که این مرتب جندیشاپور نیز نتیجه همه شان سرب مشهور و روح سلامت آمیزی است که در دربار ایران، منحصراً در عصر انوشیروان نسبت به مذاهب دیگر وجود داشته‌است.
(سارتن) آموزشگاه جندیشاپور را بعنوان (دانشگاه) خوانده. هر چند از لحاظ اینکامی

قبله امید صلح دوستان و ملل ...

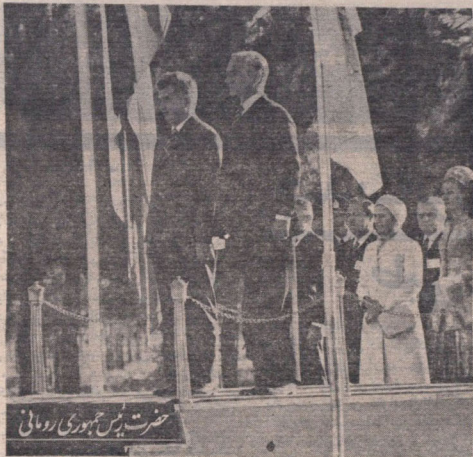
بقیه از صفحه ۱
جشن شاهنشاهی، رسالتی برای دنیا داشت، که در یک یک آئین‌هایش، تجسم یافته بود. و بطور درخشان، در پیام‌های شاهنشاه آریامهر، خطاب به تاریخ گذشت شاهنشاهی، و خطاب به جهان، بیان شد. رسالت جشن شاهنشاهی ایران، که شاهنشاه آریامهر، مقرر داشته بودند، بیان مثبت فلسفه تاریخ و تمدن بود. و بیان لزوم دفاع جمعی، از صلح و آرامش بین المللی، و دفاع جهانی، از انسان، و حاصل تلاش‌های طولانی، بر بینه زمین، و کوشش‌هایمان، برای پیروزی تفاهم و دوستی بین تمام کشورها، در حدی که راه را برای کاستن از بار مصائب انسان سرزمین‌های توسعه نیافته، هموار سازد. و هم آوایی و همگامی، در بیکار سلامت آمیز تجلی و نابرابری، در روابط بین کشورها، و بین رنگها و بین ملتها، پدید آورد.

این رسالت را، تنها ابتکار جان جشن بزرگ جهانی، که به بزرگداشت تمدن شاهنشاهی، اختصاص داشت، میتوانست بجا آورد، چنانکه بجا آورد، و برای نخستین بار، در دنیا، رسمی نو گذاشت شد، رسم بزرگداشت تمدن و فرهنگ، و سران و رهبران جهان یکجا گرد آمدند، و با تانگه هیچ برنامه گفتگوی سیاسی، در میان نمود، تمام شرایط و امکانات، یک محیط گرم، که تفاهم و اشتها می‌آفریند، فراهم بود. و زمینه‌های جشن و موضوع آن بطور شگفت‌آور، باین هدف، کمک میکرد. و پیام‌های شاهنشاه آریامهر، که گفتی پیام تاریخ است، بر زمین دوستی و تفاهم، می‌آفرود.

روزنامه جشن شاهنشاهی ایران

نشر مخصوص وزارت اطلاعات

این روزنامه طی ۱۰۰ شماره همراه با جرابد کشور و برای سبب تیراژ کلیه روزنامه‌ها چاپ و منتشر می‌شود.
تهیه و تنظیم زیر نظر: ایرج نبوی



ورود سران و رهبران کشورهای جهان، میهمانان عالیقدر جشن شاهنشاهی



در آئین مراسم جشن شاهنشاهی که بصورت گزارش لحظه به لحظه با عکس تهیه میشود، جریان ورود میهمانان عالیقدر شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو را از دیروز آغاز کردیم. از نظر اهمیت موضوع و بخاطر ضبط در تاریخ، سعی گردانندگان روزنامه جشن شاهنشاهی بر این است که چیزی کلیه سران و رهبران کشورهای جهان را که در این مراسم شرکت کردهاند در این آئینم بیاورند. بدین خاطر محتضات این شماره آئینم را نیز اختصاص به ورود این میهمانان ارجمند و عالیقدر دادیم و احتمالاً روبروتان تصور ما در مورد ورود سران و رهبران کشورها تا دو شماره دیگر نیز ادامه خواهد داشت و سپس به دنباله جریان جشن ترتیب انجام آن، خواهیم پرداخت.

۱۳۵۰هـ ۲۱
۱۳۵۰هـ ۲۲

آئینم مراسم جشن شاهنشاهی «گزارش لحظه به لحظه باعکس»

وردود سران و

رهبران کشور

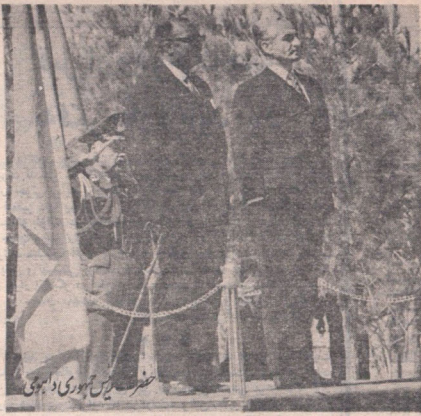
های جهان،

میهمانان

عالیقدر

چشن

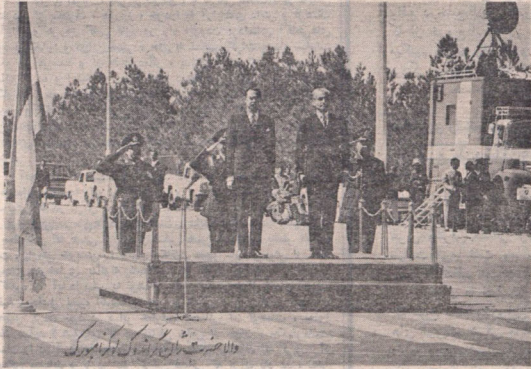
شاهنشاهی



حضرت یونس جمهوری داهی



حضرت یونس جمهوری اهد



والا حضرت یونس در آن زمان که در تبرک



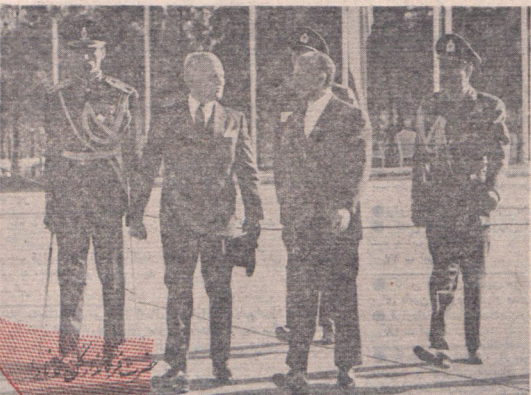
حضرت یونس جمهوری آلمان



والا حضرت امیر کریم



والا حضرت امیر کریم



حضرت یونس در آن زمان



حضرت امیر قطر

۱۳۵۰هـ ۲۱

۱۳۵۰هـ ۲۲

آلبوم مراسم جشن شاهنشاهی « گزارش لحظه به لحظه باعکس »

سازمانها و نهادهای علمی و آموزشی در ایران باستان

تحقیق از: غلامحسین صدیقی افشار

نیز آثار کرناهایی از زبان پهلوی به عربی ترجمه شده چه این قسمت از طب اسلامی بطور آشکاری در تحت نفوذ ایران قرار گرفته. بهترین نمونه، کلمات و اصطلاحات بیمارستانی فارسی است که در واقع بیشتر گیاهها و داروها در این کتابها همچنان بنام فارسی خوانده میشوند و بیشتر از کلماتی که با عربی نقل شده غالباً نقل یعنی از همان اسم فارسی است و این خود بهترین دلیل است که این نامها از آثار پهلوی در این کتابها راه یافته.

برای اینکه اهمیت چندشاپور بهتر معلوم گردد و خدمتت را که این موسسه علمی ایران بجهان آن روز کرد روشن تر شود باید آنرا با مدارس دیگری که در همان دوره در جاهای دیگر دارا بوده مقایسه نمود و پیشرفت‌هایی که نصیب آنها شده است با هم سنجید. چنانکه می‌دانیم در روزگاری که مدرسه چندشاپور در ایران رونق یافته مدارس دیگری هم در عالم مسیحی وجود داشته و چه در روم وجود داشته. این مدارس هم مانند مוסسات دیگر مسیحی در زیر نفوذ یونان و کلیسا بوده، و آثارهای دیگر غیر از آنچه با بدن تماس داشته در آنها چندانی بشرقی نمانده است، زیرا در اینگونه مدارس مسائل دینی مباحث کلاسی فلسفی که در ذات استتار فلسفه یونان وجود می‌آورد، پیوسته مهتمترین بوده که با بدنها توجه می‌شد بلکه همچون گفت که این مسائل اساسی تعلیمات آنها را تشکیل می‌دهد است و این حال بر فرض هم که به علوم دیگر مانند طب و غیره نظر مسمعی ایران از می‌شده با بدن تدبیر توجه بوده آنها در درجه دوم و سوم قرار داشته است. لیکن در چندشاپور چنین نبود.

کتاب‌های متعدد ایران و نمونو نهایی از آنها

اگر در نظر بگیریم که این خط برای نوشتن کتابهای طبی و فلسفی بکار میرفته و (ریشه) هم در خوشنویسی و در ردیفی که چندشاپور قرار داشته شاید بتوان بین این جماعت و آموزشگاه چندشاپور پیوند و ارتباطی فرض نمود.

گاهی در ضمن تالیفات اسلامی نام بعضی آثار را که هم از زبان پهلوی به عربی ترجمه شده است می‌یابیم. کتابی که اورانیوس پزشک شاپور دوم در طب تالیف کرده بود در این متن آنرا از زبان پهلوی به عربی ترجمه کرد. کتاب سیرکله که در زمان ساسانیان از هندی پهلوی ترجمه شده بود در عصر اسلام عبدالله بن علی آنرا به عربی نقل نمود و بدون ذکر آثار دیگری نیز از زبان پهلوی ترجمه شده که متأسفانه خبری از آنها ما نرسیده.

غیر از کتابهای طبی در دام پزشکی نیز آساری از زبان پهلوی به عربی ترجمه شده. این التمیم دو کتاب از این نوع را ذکر کرده یکی بنام «کتاب البصره» خوانده میشود و دیگری چنانکه گفته است کتابی بوده شامل علاج حیوانات از اسب و اسب‌پرستی و کوفت‌نویسی. و متضمن معلوماتی در خواص و اوصاف آنها. این کتاب را اسحق بن علی بن سلیمان به عربی ترجمه کرده است.

سه کتاب دیگر را هم که در فهرست به نامهای «بنیان‌دخت» و «بنیان‌شیر» و «هرادخت» خوانده میشود باید به آثار طبی ایرانی افزود. این کتابها هم از پهلوی به عربی نقل شده‌اند.

بدون‌ک در قرن گیاهشناسی و داروسازی

رسیده است. چنانکه می‌دانیم در دوره ساسانی برای نوشتن کتابهای طبی و فلسفی خط مخصوصی وجود داشته که در کتابهای عربی آنرا (کشیج) و (کشیج) نوشته‌اند و اگر تحریری در آن می‌یابیم نماند باشد ظاهراً در فارسی آنرا (کشته) خوانده بودند. هر چند ما درباره این خط اطلاع زیادی نداریم، ولی این مسلم است که خط این قبیل کتابها، اگرچه در بعضی خصوصیات هم بوده، با خطی که در کتابهای سببی بکار میرفته فرق داشته. از اینجاست که میتوان بی‌درنگ غیر از آثار مذهبی مباحث این علم در کتابهای جداگانه نیز تالیف و تدوین میشد.

از آنچه در تاریخ الحکما راجع به چندشاپور ذکر شده چنین بر می‌آید که پزشکان آنجا کتابهای زیادی در طب تالیف کرده بودند. وی سباز شرحی که راجع به آثار کار چندشاپور نوشته و ما سابقاً بآن اشاره کردیم، در باره پزشکان آنجا و مزیت ایشان گوید: «هر گروهی معاملات و روش ایشان را بر اطباء یونان و هند ترجیح میدهند، زیرا ایشان فضائل هر قوم را در کتابهای خود نیز بر آن چیزها افزوده‌اند و مستورها و قوانین و کتابهای مرتب ساخته‌اند که تمام این سخنان در آنها جاسط است.»

در اینجا ناچاریم خوانندگان را بر روایتی که یاقوت راجع به (ریشه) ذکر کرده مراجعه دهیم. چنانکه از این روایت استفاده میشود در (ریشه) در روزگار ساسانی پیوسته سه علم مخصوصی وجود داشته‌اند که خط (کشته) یا (کشته) کتب استنساخ میکردند و یاقوت ایشانرا بنام (گشته دفتران) خوانده است.

- ۱۱ -

از بعضی آثار زردشتی که امروز درست است مانند (دینپاد) و (دینکدر) و (هوپارم) و مانند آنها معلومات بسیار کمی در خصوص طب ایرانی در عصر ساسانی بدست می‌آید. استاد کریستن سن تا آنجا که از مصادر موجود استفاده میشود اطلاعات قابل توجهی در دسترس خوانندگان کتاب خود گذاشته کهما احتیاجی بیکر آنرا نمی‌بینیم. چنین حساس می‌زنند که اساسی طب ایرانی را زردشتی بوده و طبقه پزشکان ساسانی نیز بآنکه زردشتی با لقب (ایران‌درست) و داشته‌اند در تحت ریاست عالی زراشتی موبدان بوده‌اند. و سوده و پزشکان جسمانی هم تا حدی از طبقه روحانیون بشمار میرفته‌اند. هر چند چنانکه گفته‌ام معلوماتی که تا اندازه‌ای ما را از آثار طبی عصر ساسانی آگاه می‌سازند از کتب دینی زردشتیان بدست می‌آید. و از این جهت میتوان دانست که کتب دینی ایرانیان مثل سایر مباحث علم طب نیز بوده‌اند از این امر نباید چنین نتیجه گرفت که معلوماتی طبی عصر ساسانی منحصر بجهان مطالبی بوده که در این کتابها یافت میشد و پزشکان ایرانی هم از طبقه موبدان بوده‌اند. بر عکس دلالت و آماراتی در دست است که میرساند طب ایرانی در کتابهای دیگری غیر از آثار مذهبی هم تدوین یافته و غیر از موبدان دانشمندان دیگری هم بکار پزشکی اشتغال داشته‌اند. از زردشتی که جست‌وجوی هر چند در آثار موفقی ساسانی دیده میشود، و بدون شک نماینده نظر موفقیین معاصرین ایرانی باشد، این امر تأیید میگردد. بنایکتی این مصادع مزیت ایرانیان که بدان شهرت یافته بودند در طب و نجوم بوده و این میرساند که آثار مذهبی در طب ایرانی، غیر از آنچه در کتب مذهبی بوده، با عراب و مسلمانان

بزرگترین جشن تاریخ، بزرگترین واقعه

یقیناً از صفحه ۱

بودند. و از سراسر ایران زمین بود که چشمهای دعا، باسنان جاری میشد. دنیا، هرگز فرصتی چنین، برای ساختن ملت ایران، و رمز و رازهای بنا و دوام تمدن و تاریخ و حاکمیت ایران، بدست نیامورد. و امروز، ایران، برای دنیا، مفهوم و آشناست، و یک پدیده شگفت و منطقی و ثابت‌عملی. دشواری این شناسایی، سابق از آن بود، که دنیا، ایران را، در لحظه‌ای که با آن میانیدید، می‌پوشاند، بنامد، و ایران، و تنها در آن لحظه نمی‌کنید، بلکه ای‌ها در مجموع تمدن و فرهنگ طالب این شناسایی نیز نمی‌کنید، وحدی برتر داشت. و همین وسعت و گنجایشی که در دنیا را به بقع دوهزار و پانصد سال، ساخته است، بزرگترین مانع پیدا شدن درک روشن و مفهوم، از ایران شاهنشاهی ایران، دیگران نبود. حیثیت ایرانی، پیوندش با آیین‌های، برتری روانی و معنوی که بر هر قدرت قاهر، آشکار میساخت، مهربانی و فروتنی، و شوق ایجاد آرامش، و توسعه همکاری و دوستی، و سرکشی و سازگاری با ذوق تحمیل‌اجنبی، تعلق خاطر شدید به مجموعه فرهنگ سازنده ملت ایرانی، هزاران داوروی بدین‌تغییر، از «درباره ملت و کشور ما، و پدیدارده بودن، چون، و نه باطل تاریخ و تجربه داوران، قد می‌داد، و راه‌های داشت، و نه، ملت‌ها، خودمیاری، بدست داوران و داهو بود، که آن را، ملاک قرار دادند.

اما، جشن پرشکوهِ شاهنشاهی، از دوهزار و پانصدسال آیین پیوسته، و تمدن ساز ایرانی، چنان معیار و ملاکی، برای دنیا گذاشت، که از این پس باید، هر شناسایی و اعتبارهای تاریخ و تمدن سایر ملل را، با این معیار و ملاک، در ترازوی سنجش نگذارند، و در مجموع آن ملاک‌ها و معیارها، بکار نهد.

روزنامه جشن شاهنشاهی ایران

این روزنامه طی ۱۰ شماره همراه با جراید کشور و برابری سایر بزرگترین کلبه روزنامه‌ها چاپ و منتشر میشود.

تعیه و تنظیم زیر نظر: ایرج نبوی

بساداری کند. دنیا دید که چگونه، پیوند دوهزار و باصده ساله، می‌شاهنشاهی ایران و مردم شاهنشاهی، استوار است، و چنان این دو با یکدیگر آمیخته است، که نمیتوان، جانی، شاهنشاهی را، از ملت شاهنشاهی ایران، جدا کرد، یا بین ملت شاهنشاهی و آئین آن، نقطه افتراقی فرض کرد. اکنون، کشور ما را، در آستانه رنسانس شاهنشاهی جلیل ایران، چنانکه هست می‌باشد، کشوری که در آن، پرده‌ام‌ترین جهان‌بینی تاریخ تکوین یافته است، و آئین بی‌زوال شاهنشاهی، گذشته آنرا، با بندهایی همچنان پرشکوهِ، در ارتفاع عظیم تمدن‌های بزرگ، پیوند می‌زند. و آن بزرگترین جشن تاریخ، بزرگترین واقعه آشنایی، برای ما، و برای دنیا نیز شده است.

و ملاک و معیاری است که در روز، در شناخت ایمان ملی، درک روح ملت ایرانی، برای دنیا پیوند آمده. پس از آن نفاش عظمت گذشته، که باسارگاد، و تخت جمشید سخن گفتند، و آن پیام‌ها، که شاهنشاه آریامهر، در مقام مظهر و پاسدار و خورشید آئین شاهنشاهی در عصر ما، بدستیا فرستادند، دیگر نوبت ملت ایران رسیده بود، ملت معاصر رنسانس شاهنشاهی، که از خویش و ایمان و آرمان خویش سخن بگوید، و دیروز، این ملت ایران بود، که در سراسر کشور، با دنیا، از، اعتقاد ملی، و آرمان و باکشت، سخن میگفت. و استادیوم آریامهر، کانون تایش این ایمان و آرمان، در پیشگاه شاهنشاه آریامهر، و مهمانان عالی‌رتبه شاهنشاهان، و دنیا و فرهنگ چنین ملی، باید تاچنین آئینی پایدار، از آن

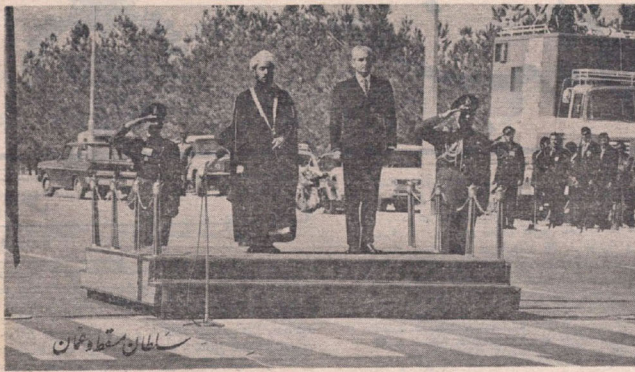
تجدید پیوند ناگسستنی شاه و مردم

«ملت خدایتسبب منهدوست و شرافتمند ایران. برادران و خواهران عزیز من. آسمانان عزیزان و میهنان شما از سد‌ها فرسنگ‌ها، بچنان در من اثر گذاشتند که تمام شناسایی روحی و گران‌بانی را، که در همه ناظمی از طایفه قلبی من، در همین مقدس و ملت عزیز بود، می‌پوشانند، و می‌باید نکات تأخیر در عزیمت به ایران عزیز و دیدار ملت عزیز من. بطور از شا تکتک کم که بر ایگان و بدون کوچکترین استثنا به جان خود، و هیچ خط شائلی ملی و شاه می‌دانید، آنچنان فدائیکاری کردید، و عهد دادید، همه چنانکه می‌دانید در چندین مورد حاضر بودم چنان خود را برای شاه، میدیدم. و باز هر موقع که لازم شد از این صلح‌جویی خودماری خودم کرد. و چرا نکند، هنگامی که یک ملتی برای عاظم من جان خویش را میدهد.

در حادثه صبح ۱۳۳۷ که خاتین قصد جان مرا کردند، تنها حمایت خداوند تعالی بود که آن روز نخواست حوادثی شوم، استقلال و ملیت و حین و ناموس کشوری کهن و مردم شرافتمند آنرا که ماه میاهات و افتخار تاریخ بوده است، نابود کند. اما این کابوسی جنجالی، متأسفانه همه وقت در کمن خیانت سیاسی و استقلال ما بوده است. در این چند مدت اخیر، می‌توانستیم با مرزات اختصار آریامهر فعلی ما را که متصل هزاران سرزمین در مقابل آن بود و همچنین زندگی ما را، از جریان طبیعی خود، منحرف ساخته با نماندگی کند. هر فردی که به تضییع و نظایر و اشیاء آن را در زمان حاضر، باندیدی خیریت می‌بینید که چه

کشورهای علم و ملت‌های بزرگ در عین موجودیت، حیات معنوی خود را از دست داده‌اند. از بدو مبارزات ملی اخیر، و آفند حمایت که ما از آن جنبش ملی نمودیم، فراموش شدنی نیست. از آن حرولات تاریخی که در زیر عنوان مقدس مبارزات ملی، در بیان عوامل فروپایه به زندگی شخص من شد، و همگی با خورشیدی تعلق شده است، تذکری ننمیدم زیرا شیخوایم در این موقع موجب تازم هم‌پیمان عزیزم شوم. اکنون هم، نسبت به خود همچون نظر کینه‌توزی انارم و قلب صاف من کانون بشی نبوده و نخواهد بود. اما در مورد تجاوب به مقدمات ملی و قانون اساسی که حفظ آن را فراموش کرده‌اند، و همچنین به اصلاح آئین که شایان بقای ما میباشد و تشییع بیت‌المال و ریختن خون مردم بیگناه، آمهم در ریا و غرض، باید نص قانون اجرا کرد، چنانکه خواست ملت من نیز همین است. ضمن این امتنان بی‌پایان از عواطف و احسان بی‌امالی قاضی می‌همانان، در تابع و درود خود، و ریختن خون مردم بیگناه، آفراد و در چندین باره و آفرینی است که در قیام آریامهری ۲۸ این مایه زندگی را به برآوردگان آنها در عین تسلیم، تبریک اهریمنی قادر به گردن برآوردن نیست شرکت کرده‌اند، اما نموده و این مایه زندگی را به برآوردگان آنها در عین تسلیم، تبریک میگویم. و به طبقه جوانان روشنفکر که چراغ امیدو آرزوی ما هستند و زندگی آینده به باثبات توانا و اندیشه‌های آریامهر است، و بدانه توصیه میکنم و دسترس میدهم که چشم و گوش خود را، از وسوسه و فریب بدخواهان اندرز و هدف خویش را به دست کمال و شرف، برای سعادت وطن عزیز خود راده، خداوند متعال را، راضی و بشیاین خود بداند. من هم کوشا خواهم بود، و پیرو اقدامات قلبی خود، که عمداً آن را عقیم نگذاشته‌اند، را که در شایستگی نمودگراسی که خوشبختانه در تالیف عالی اسلام، آن را به شایستگی دستور فرمودند، برای تألیف قطب فراهم است. مفهوم عدالت اجتماعی را عملی کنم. مخصوصاً با اعتدالی که به لیاقت و شایستگی دسترس و دارم، مطمئن هستم که در تمام عمرهای و اصطلاح لازم، اقدامات مؤثر خواهند کرد. همگی را بخدا می‌سپارم سعادتشان را آرزو نمودم.

« پیام شاهنشاه آریامهر، در بازگشت به کشور - اول شهریور ۱۳۳۷ »



سلطان قطره عمان



حضرت فیاض الملک عراقی

ورود سران و رهبران کشورهای جهان،
میهمانان عالیقدر جشن شاهنشاهی



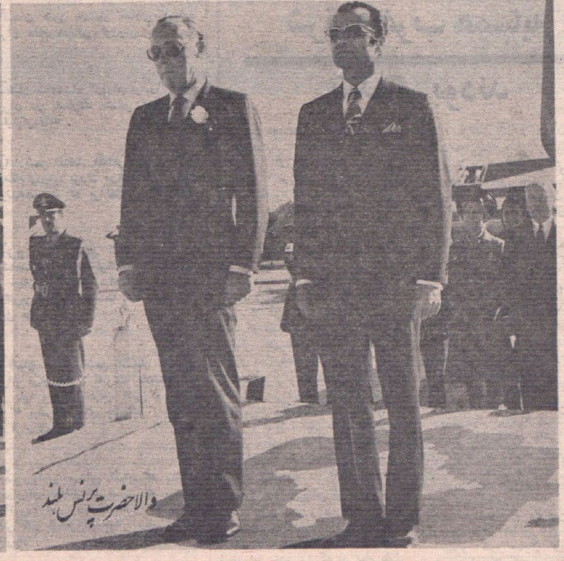
الاحقرت پرنس بلژیک



والاحقرت پرنس لینن ایشائین



والاحقرت پرنس فیلیپ رولاند اسپانیا



والاحقرت پرنس بلژیک

۲۱ مهر ۱۳۵۰
۲۲ مهر ۱۳۵۰

آلبوم مراسم جشن شاهنشاهی «گزارش لحظه به لحظه باعکس»